

پویایی شناسی بنیان‌های جغرافیایی در چشم‌اندازهای روستایی

(مطالعه موردی دهستان‌های شیوه سر، گاور و دینور استان کرمانشاه)

دکتر منصور بدری‌فر

استاد گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

دکتر نوذر قنبری

استادیار گروه جغرافیایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

چکیده

چشم‌اندازهای روستایی در ایران، علاوه بر این که حدود ۴۰ درصد از کل جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند، پهنه وسیعی از سرزمین ایران را در بر می‌گیرند. بدین علت در راستای توسعه و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، چشم‌اندازهای روستایی از ارزش و اهمیت خاصی برخوردارند. توسعه روستاها، توسعه شهرها را در پی خواهد داشت و در کشورهای در حال توسعه، توسعه بخش صنعت و خدمات منوط به توسعه بخش کشاورزی است و توسعه کشاورزی در پناه توسعه روستایی تحقق‌پذیر خواهد بود. روستاهای ایران به‌عنوان مهم‌ترین عرصه فعالیت، با نابسامانی و نظام نیافتگی خاصی روبرو هستند و شواهد دال بر آمایش نیافتگی عرصه‌های روستایی است. این نابسامانی در ابعاد مختلف طبیعی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی وجود دارد و در تیپ‌های مختلف روستاهای کوهستانی، تپه‌ای و دشتی این نابسامانی شدت و ضعف داشته و دلایل آن از تپه‌ای به تیپ دیگر، متفاوت است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین دلیل نابسامانی و توسعه نیافتگی روستاها، عدم تحول و پویایی برخی از اجزا و عناصر (بنیان‌های جغرافیایی) در چشم‌انداز روستایی و در ارتباط با زمان و مکان است. در هر تیپ از روستاها (کوهستانی، تپه‌ای و دشتی)، اجزا و عناصر متفاوتی، عدم تحول و پویایی دارند و عدم تحول و پویایی آن‌ها باعث ناکارآمدی کلیت سیستم (چشم‌انداز) شده است. شناسایی این اجزا و عناصر ناکارآمد و ایجاد تحول، نوسازی و بازساخت آن‌ها در راستای توسعه چشم‌انداز روستایی از مواردی است که پژوهش حاضر بر آن تأکید دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فقدان تنوع فعالیت‌ها، عدم تنوع شغلی، پایین بودن سطح درآمد در روستاها، فقدان صنایع مکمل بخش کشاورزی و خدمات پشتیبان تولید، عدم تحول اساسی در شیوه‌های کاشت، داشت و برداشت محصول، آشفتنگی و در هم ریختگی بافت روستاها، فقدان بهداشت محیط در سکونت‌گاه‌های روستایی، الگوی معماری نامناسب مسکن روستایی، و ضعیف بودن تأسیسات فرهنگی- مذهبی و ورزشی در راستای گذران اوقات فراغت جوانان روستایی از مهم‌ترین تنگناهای موجود در چشم‌اندازهای روستایی هستند که لازم است در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی مدنظر قرار گیرند.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، چشم‌انداز روستایی، برنامه‌ریزی روستایی، روستاهای کوهستانی، روستاهای تپه‌ای، روستاهای دشتی، بنیان‌های جغرافیایی.

مقدمه :

توسعه شهرنشینی و به دنبال آن تنگناهای زندگی شهری در ایران، فرصت لازم برای پرداختن به مناطق روستایی را از برنامه‌ریزان و نظام برنامه‌ریزی ما سلب نموده است. اعتقاد به این که توسعه نیافتگی مناطق و نواحی روستایی عمده‌ترین عامل تنگناهای زندگی شهری و شهرنشینی لجام گسیخته است و این که بی‌توجهی به روستاها در قالب زایش تنگناها، مشکلات و بحران‌ها در نقاط شهری نمود پیدا می‌کند، تاکنون نتوانسته در نظام برنامه‌ریزی کشورمان نهادینه شود. با وجود همه برنامه‌هایی که تا به حال در خصوص توسعه و عمران روستاها داشته‌ایم، چشم‌اندازهای روستایی همچنان با کاهش توجه و اهمیت روبرو هستند. سطح نازل درآمد روستاییان و شکاف عمیق آن با درآمد شهرنشینان، فقدان تنوع فعالیت و اشتغال، عدم تحول در گونه‌های فعالیت در نواحی روستایی، و عدم تحول بنیان‌های جغرافیایی در ارتباط با مکان و زمان، از جمله عواملی هستند که زمینه و بستر لازم جهت دافعه جمعیتی، تخلیه روستاها و کاهش اعتبار چشم‌اندازهای روستایی را به وجود آورده‌اند. برای دستیابی به توسعه روستایی و آمایش چشم‌اندازهای روستایی، توجه به ایجاد شکلی خوب از روستاها، ضرورت دارد. شکلی که برآیند تعامل، تناسب، توازن و تعادل بین فرم و عملکرد باشد و به‌تواند بستر لازم را جهت تکامل توسعه فراهم آورد. شناخت بنیان‌های جغرافیایی و میزان ایستایی و پویایی آن‌ها در ارتباط با زمان و مکان کمک می‌کند تا به‌توان بنیان‌های جغرافیایی ناکارآمد و ایستا را در چشم‌انداز روستایی، شناسایی کرد و در صورت امکان راهکارهای حذف آن‌ها از چشم‌انداز، یا پویاسازی آن‌ها را پیشنهاد نمود. در واقع در چشم‌اندازهای روستایی (به‌عنوان یک سیستم) نوعی پویایی‌شناسی لازم است تا بر اساس آن برخی از اجزا و عناصر سیستم که در ارتباط با زمان و مکان، از کارایی لازم برخوردار نیستند از سیستم حذف و پاره‌ای از اجزا و عناصر جدید که با زمان و مکان تناسب بیشتری دارند به سیستم اضافه نمود. همچنین در این راستا لازم است نقش برخی از اجزا و عناصر را تقویت و نقش برخی از اجزا و عناصر را تضعیف کرد تا سیستم چشم‌انداز به‌تواند از کارایی مناسب در ارتباط با مکان و زمان برخوردار باشد. در این پژوهش سه نمونه از چشم‌اندازهای روستایی (کوهستانی، تپه‌ای و دشتی) با توجه به اهداف فوق مورد بررسی قرار گرفته، که نتایج حاصل از آن در قالب این مقاله ارائه می‌گردد.

جایگاه چشم‌اندازهای روستایی در ایران:

چشم‌اندازهای روستایی در ایران با همه سابقه و قابلیت خود، نتوانسته‌اند زمینه و بستر مناسبی جهت ماندگاری جمعیت در خود فراهم آورند. کاهش اعتبار روستاها در ابعاد مختلف طبیعی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، و حتی کالبدی، دلایلی بر این ادعاست.

اعتبار طبیعی؛ در چشم‌اندازهای روستایی به‌علت فقدان مدیریت جامع و تحت تأثیر تخریب مراتع، فرسایش خاک، و ظهور آلودگی‌های زیست‌محیطی، کاهش چشمگیری داشته به‌طوری که ناپایداری چشم‌اندازهای روستایی حاصل آن است.

اعتبار جمعیتی؛ روستاهای ایران نیز جای تأمل دارد. کاهش سهم جمعیت روستانشین کشور

از ۷۲ درصد در سال ۱۳۰۰ به ۳۸/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ (اصغر نظریان، ۱۳۷۵: ۸۴)، افزایش تعداد آبادی‌های خالی از سکنه از ۱۵۹۲۵ مورد در سال ۱۳۴۵ به ۵۹۹۹۱ مورد در سال ۱۳۷۵ (بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۷۵)، مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها در دهه‌های اخیر، از مهم‌ترین دلایل کاهش اعتبار اجتماعی چشم‌اندازهای روستایی ایران است. در سال ۱۳۶۵ حدود ۳/۸ میلیون نفر و در سال ۱۳۷۰ حدود ۵/۱ میلیون نفر از جمعیت شهرهای کشور را، روستاییان وارد شده به شهرها شامل شده است. (حسین آسایش، ۱۳۷۵ ص ۸) این وضعیت نشان از دافعه جمعیتی رو به افزایش چشم‌اندازهای روستایی دارد. جمعیت زدایی، افزایش مهاجرت، نامناسب بودن ترکیب جمعیت (با توجه به مهاجرت جوانان و فعالان اقتصادی و باقی ماندن خردسالان، زنان و پیران در روستاها)، کاهش انگیزه همیاری و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی، از نابسامانی‌های اخیر اجتماعی در سطح روستاهای کشور است.

اعتبار اقتصادی: فعالیت‌های اقتصادی در روستاها در تناسب با زمان نیست و ابعاد مختلف فعالیت‌های اقتصادی در روستاها کمتر در معرض تنوع، توسعه و تکامل قرار گرفته، به طوری که در اکثر روستاها فعالیت‌های اقتصادی نتوانسته‌اند از مرحله معیشتی فراتر روند و شیوه‌های کاشت، داشت و برداشت، همان شیوه‌های سنتی هستند. فقدان تحول تکنولوژیکی در ساختارهای اقتصادی، عدم پویایی در نحوه فروش و بسته‌بندی محصولات کشاورزی، نبود تنوع در فرصت‌های شغلی، بیکاری پنهان و آشکار از تنگناهای اقتصادی حاکم بر چشم‌اندازهای روستایی به شمار می‌آید. در این خصوص دکتر منصور بدری فر (۱۳۷۹ ص ۸۸) اعتقاد دارند: «ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی خود، روستاها را به عنوان واحد مهمی از تقسیمات اداری، سیاسی و اقتصادی در بطن خود دارد و تا چند دهه پیش، اصلی‌ترین مرکز فعالیت‌های اقتصادی مملکت بود، که لازم است این اعتبار به آن‌ها برگردد، بی‌آن‌که رشد اقتصاد صنعتی و شهری متوقف گردد». از موضوع فوق این برداشت حاصل می‌آید که اعتباری از دست رفته، که لزوم برگرداندن آن مورد تأکید قرار می‌گیرد. مقایسه متوسط درآمد سالانه خانوارهای روستایی با درآمد خانوارهای شهری در سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که در این سال متوسط درآمد سالانه هر خانوار روستایی معادل ۱۳۰۴۷۴۱۱ ریال و متوسط درآمد سالانه هر خانوار شهری معادل ۲۲۳۸۷۷۲۵ ریال بوده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰ ص ۶۶۵ و ۶۶۶). این وضعیت شکاف عمیقی را بین سطح درآمد مردم در نواحی روستایی و شهری نشان می‌دهد چرا که متوسط درآمد سالانه هر خانوار شهری ۴۱/۷ درصد بیشتر از متوسط درآمد سالانه هر خانوار روستایی است.

سید حسن حسینی ابری (۱۳۸۰ ص ۹) در خصوص تنگناهای اقتصادی حاکم بر روستاهای ایران و غفلت از برنامه‌ریزی اقتصاد روستایی؛ می‌نویسد: «بیش از آنچه به ضرورت ساماندهی به وضع تولیدی و انتقال دانش، فن و سرمایه به آن‌ها (روستاها) اندیشیده شود، به عنوان یک مکان جمعیتی با اولویت نیازهای خدمات جمعی، منظور شده‌اند و گسترش خدمات جمعی نیز تحت تأثیر کمی جمعیت، در بیش از ۷۰ درصد واحدهای یاد شده معمولاً به حل واقعی مشکل و جلوگیری از مهاجرت کمک نمی‌کند». ... در ادامه آمده است، «به نقش اصلی روستاها توجه ویژه‌ای مبذول نشده است، به گونه‌ای که در بین کلیه سازمان‌ها، ارگان‌ها و نهادهایی که هریک به گونه‌ای ارائه بخشی از خدمات روستایی را به عهده دارند، اشتغال روستایی متولی خاصی ندارد».

اعتبار کالبدی در چشم‌اندازهای روستایی ایران در برخی از شاخص‌ها از رشد کمی خوبی برخوردار بوده است ولی در برخی دیگر از شاخص‌ها چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی نیاز به گسترش و توسعه وجود دارد. حتی در شاخص‌هایی که رشد کمی خوبی به دست آمده، نحوه بهره‌برداری از کیفیت نازلی برخوردار است. مثلاً در برق‌رسانی به روستاها هرچند از نظر کمی اکثر روستاهای کشور از نیروی برق برخوردارند اما بهره‌برداری از آن به‌طور عمده محدود به مصارف روشنایی شده است.

در خصوص توسعه راه‌های روستایی نیز با احترام به تمام تلاش‌هایی که صورت گرفته، تا دستیابی به وضعیتی مناسب و قابل قبول از نظر معیارهای توسعه شبکه راه‌ها، فاصله زیادی پیش رو داریم. از کل ۹۳۸۷۳۹ کیلومتر طول راه‌های روستایی کشور، تنها ۴۵۳۳۲ کیلومتر (۳/۴۸ درصد) آسفالت‌هسته هستند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰ ص ۳۶۸) از مجموع مسکن روستایی کشور نیز تنها ۲۸/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ بادوام بوده‌اند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵)

موارد فوق بیانگر عدم پویایی بنیان‌های جغرافیایی موجود در چشم‌اندازهای روستایی کشور در ارتباط با زمان و مکان است و ضرورت پویایی‌شناسی بنیان‌های جغرافیایی در چشم‌اندازهای روستایی را مورد تأکید قرار می‌دهد. این بنیان‌های جغرافیایی شامل دو دسته بنیان‌های طبیعی و انسانی، به‌عنوان اجزا و عناصر سیستم خالق چشم‌انداز روستایی هستند.

جایگاه موضوع در مقیاس جهانی:

نه تنها در ایران بلکه در تمامی کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای توسعه یافته، اعتبار روستاها همبستگی مستقیم با میزان توسعه اقتصادی و پویایی فعالیت‌ها و اشتغال در جوامع روستایی دارد. در ایران تا زمانی که توسعه شهری به شکل امروزی اتفاق نیفتاده بود و روستاها مهم‌ترین منبع آخذ مالیات و تأمین قشون نظامی به شمار می‌رفتند، عرصه‌هایی بودند که به شدت مورد توجه حکومت‌های مرکزی و حکمرانان قرار داشتند. در کشورهای توسعه یافته نیز بعد از انقلاب صنعتی، چون روستاها مهم‌ترین منبع تأمین کننده مواد خام و کارگران ارزان قیمت مورد نیاز کارخانه‌های صنعتی بودند مورد توجه خاص قرار گرفتند. در نواحی روستایی این کشورها پیوندی بین بخش کشاورزی و خدمات پشتیبان تولید و صنایع وابسته به بخش کشاورزی ایجاد گردیده به طوری که حاصل آن، وجود اشتغال فراوان، تنوع شغلی، بالا بودن سطح درآمد روستاییان و در نتیجه اعتبار و اهمیت عرصه‌های روستایی در ارتباط با زمان است، اعتبار و اهمیتی که در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه تحت تأثیر بیکاری، عدم تنوع شغلی، پایین بودن سطح درآمد سالانه و سایر نابسامانی‌های موجود در چشم‌انداز روستایی کاهش یافته است.

دکتر میرستار صدر موسوی در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست‌های توسعه و اشتغال در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه»، بیکاری و کم‌کاری را از مهم‌ترین مسایل کشورهای در حال توسعه معرفی کرده و معتقد است: «به منظور مقابله با فقر و بیکاری در مناطق روستایی، تغییرات ساختاری، افزایش بهره‌وری در کشاورزی و گسترش فعالیت‌های غیر زراعی در ارتباط با کشاورزی، اهمیت حیاتی دارند.» (میرستار صدر موسوی، ۱۳۸۲ ص ۹۵)

باید توجه داشت که مهم‌ترین مشکل نواحی روستایی در کشورهای در حال توسعه نداشتن منابع

اقتصادی نیست بلکه نکته قابل توجه این است که این جوامع در عین برخورداری از منابع اقتصادی بالقوه فراوان و در حالی که زیر پای آن‌ها سرشار از معادن و منابع و فرصت‌های شغلی است، توان مدیریت بهره‌برداری بهینه را دارا نیستند و این وضعیت همان عدم پویایی‌شناسی بنیان‌های جغرافیایی در ارتباط با زمان و مکان است، که به نوعی می‌تواند «مدیریت چشم‌انداز روستایی»^۱ نامیده شود.

میرستار صدر موسوی در راستای رفع مشکل بیکاری و فقر در نواحی روستایی تأکید بر «تنوع بخشی به اشتغال روستایی» دارند. آنچه که در این مقاله نیز هدف اصلی پویایی‌شناسی بنیان‌های جغرافیایی در چشم‌اندازهای روستایی یا «مدیریت چشم‌انداز روستایی» نام گرفته است. ایشان معتقدند؛ «یکی از جریانات عمده در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه در دهه‌های اخیر انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش‌های غیرکشاورزی است. این جریان به دو شکل انجام می‌گیرد:

(الف) شکل اول با انتقال نیروی کار از مناطق روستایی به مناطق شهری همراه است که موجب بروز مشکلات عدیده هم در مناطق روستایی و هم در مناطق شهری شده است.

(ب) شکل دوم، انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش‌های غیر کشاورزی در خود روستا و مناطق روستایی انجام می‌شود که موجب متنوع شدن اشتغال و فعالیت‌های روستایی می‌گردد. (میرستار صدر موسوی، ۱۳۸۲ ص ۱۰۸)

برخی از کشورهای در حال توسعه در زمینه پویایی‌شناسی بنیان‌های جغرافیایی در چشم‌اندازهای روستایی و برگرداندن یا حفظ اعتبار نواحی روستایی بالاخص در زمینه اقتصادی، تلاش‌هایی را انجام داده‌اند که از آن جمله می‌توان کشورهای شرق و جنوب آسیا را نام برد.

در ژاپن، حاصل پویایی‌شناسی بنیان‌های جغرافیایی در چشم‌اندازهای روستایی توجه به گردشگری روستایی به‌عنوان راهی برای «احیا و تجدید حیات جوامع روستایی» است زیرا بعد از جنگ جهانی دوم، چشم‌اندازهای روستایی ژاپن با نوعی رکود و کهنگی مواجه شده‌اند. (یاتاکا-آراحی، ۱۹۹۸) در تایوان و تایلند نیز وضعیت مشابهی را شاهدیم و گردشگری روستایی علاوه بر این که منبع جدیدی از درآمد مزرعه برای کشاورزان محسوب می‌شود، باعث افزایش سطح درآمد روستاییان، تنوع شغلی، رفع بیکاری و کم‌کاری و توجه به مناطق روستایی شده است. گردشگری روستایی در تایوان به‌عنوان نوع جدیدی از مدیریت مزرعه مطرح است که به کشاورزان در خصوص غلبه بر مشکلات اخیر مدیریت مزارع کوچک کمک می‌نماید و دارای دو هدف عمده است؛ نخست فراهم نمودن تفریح و فراغت برای عموم مردم و دوم افزایش سطح درآمد کشاورزان. (نوذر قنبری، ۱۳۸۳ ص ۹۰) در تایلند گردشگری روستایی به‌عنوان منابع عمده درآمد ملی تشویق شده، صنعتی است که ابزار مولد درآمد ملی در اقتصادهای صنعتی نشده شناخته شده است. (نوچنارد - راتانا سونگ - چای، ۱۹۹۸) پویایی‌شناسی بنیان‌های جغرافیایی علاوه بر این که بهره‌برداری مناسب و بهینه از منابع طبیعی و ظرفیت‌های محیطی را در چارچوب توسعه پایدار و متناسب با زمان و مکان توصیه می‌نماید، راه حل رفع بیکاری و کم‌کاری و افزایش درآمد روستاییان و در نتیجه ماندگاری مردم در سطح روستاها را در افزایش تنوع فعالیت‌ها، اشتغال و به‌خصوص فعالیت‌های غیر زراعی در چشم‌اندازهای روستایی، جستجو می‌کند. فعالیت‌های غیر زراعی نوعی پویایی در چشم‌اندازهای روستایی به شمار می‌آیند. «از نظر بهره‌وری نیروی کار

و میزان درآمد، دو نوع متفاوت از فعالیت‌های غیر زراعی روستایی (RNA)^۱ توسط «موخوپادهای و لایم^۲» شناسایی شده‌اند.

RNA نوع اول، شامل تولیدات و یا فعالیت‌هایی است که ویژگی‌های زیر را دارند:

- غیر فصلی و دائمی‌اند

- دارای رشد بوده و مازاد تولید دارند.

- علاوه بر نیروی کار فامیلی از نیروی کار مزدبگیر استفاده می‌کنند.

- از تکنولوژی نسبتاً پیچیده استفاده می‌کنند.

- تولید به منظور فروش و در ارتباط با بازار است.

RNA نوع دوم، شامل تولیدات و یا فعالیت‌هایی است که دارای این ویژگی‌ها هستند:

- اغلب، گرچه نه همیشه، فصلی هستند.

- صرفاً با تکیه بر نیروی کار فامیلی بدون مزد جریان دارند.

- عمدتاً از تکنولوژی بسیار ابتدایی استفاده می‌کنند.

- تولید عمدتاً برای بازارهای محدود محلی است.

- گسترش آن‌ها بیشتر از آن‌که در ارتباط با تقاضا برای تولیدات آن‌ها باشد، در ارتباط با مازاد نیروی کار در مناطق روستایی است.

RNA نوع اول بیشتر در کشورهای شرق آسیا نظیر ژاپن، تایوان و کره دیده می‌شود و RNA نوع دوم

غالب‌ترین نوع در کشورهای جنوب آسیاست. (میرستار صدر موسوی، ۱۳۸۲ ص ۱۱۱)

در راستای بررسی میزان پویایی‌شناسی بنیان‌های جغرافیایی در چشم‌اندازهای روستایی متفاوت، در این مقاله نمونه‌هایی از دهستان‌های استان کرمانشاه (کوهستانی، تپه‌ای و دشتی)، مورد مطالعه قرار گرفته که نتایج آن به شرح زیر ارائه می‌گردد:

محدوده مورد مطالعه:

برای انتخاب محدوده مورد مطالعه در این پژوهش فرایند و مراحل زیر طی شده است:

مرحله اول: تقسیم استان کرمانشاه به سه ناحیه همگن. در این مرحله اساس تقسیم‌بندی استان مبتنی بر تقسیمات طرح کالبدی ملی سازمان مسکن و شهرسازی بوده و هر ناحیه عمرانی به‌عنوان یک ناحیه که دارای همگنی طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است، در نظر گرفته شده است. به‌طوری که ناحیه **عمرانی اورامانات** که از شهرستان‌های پاره، جوانرود، ثلاث باباجانی و روانسرتشکیل شده به‌عنوان قلمرو روستاهای کوهستانی انتخاب گردید. **ناحیه عمرانی اسلام آبادغرب** شامل شهرستان‌های قصرشیرین، سرپل ذهاب، اسلام آبادغرب و گیلانغرب به‌عنوان قلمرو روستاهای تپه‌ای و **ناحیه عمرانی کرمانشاه** شامل شهرستان‌های کنگاور، صحنه، سنقر، هرسین و کرمانشاه به‌عنوان قلمرو جغرافیایی روستاهای دشتی مدنظر قرار گرفت.

مرحله دوم: در این مرحله در هر ناحیه عمرانی یک دهستان از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده و به شرح زیر انتخاب گردید:

الف. در ناحیه عمرانی اورامانات پاوه که معرف تیپ چشم اندازهای روستایی کوهستانی است، از بین ۱۷ دهستان، دهستان شیوه سر ازبخش باینگان شهرستان پاوه انتخاب شد.

ب. در ناحیه عمرانی اسلام آبادغرب که معرف تیپ چشم اندازهای روستایی تپه‌ای است، از بین ۳۱ دهستان، دهستان گاور از بخش گاور شهرستان گیلانغرب انتخاب شد.

ج. در ناحیه عمرانی کرمانشاه که معرف تیپ چشم اندازهای روستایی دشتی است، از بین ۳۵ دهستان، دهستان دینور از بخش دینور شهرستان صحنه برای مطالعه انتخاب گردید.

مرحله سوم: در مرحله سوم فرایند نمونه‌گیری، با توجه به این که برخی از بررسی‌ها نظیر مطالعات میزان پویایی بافت سکونتگاه‌ها و بهداشت محیط، مستلزم تهیه پرسش‌نامه و مشاهده میدانی بود، در هر دهستان روستاهایی که گونه اکولوژیک آن‌ها در شناسنامه آبادی‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ متناسب با تیپ روستاهای موردنظر بود انتخاب شدند. به‌عنوان مثال در دهستان شیوه سرازکل ۹ روستای این دهستان، گونه اکولوژیک هر ۹ مورد در شناسنامه آبادی‌ها، کوهستانی قید شده بود لذا در هر ۹ روستا مشاهده و مطالعات میدانی و تکمیل پرسش‌نامه به‌عمل آمد. در دهستان گاور از کل ۴۹ روستای این دهستان، گونه اکولوژیک ۱۸ روستا در شناسنامه آبادی‌ها، تپه‌ای قید شده بود، لذا این ۱۸ روستا برای تکمیل پرسش‌نامه و مطالعات میدانی انتخاب شدند. در دهستان دینور نیز از کل ۴۶ روستای دهستان، گونه اکولوژیک ۱۶ روستا در شناسنامه آبادی‌ها دشتی قید شده بود، لذا این ۱۶ روستا جهت مطالعات و مشاهده میدانی و تکمیل پرسش‌نامه در دستور کار این پژوهش قرار گرفت.

شیوه پژوهش:

شیوه پژوهش نخست، مبتنی بر بررسی اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و جمع‌آوری آمار و اطلاعات از سازمان‌ها، ادارات و نهادهای دولتی بود. در گام بعدی آمار و اطلاعات جمع‌آوری شده با واقعیت‌های موجود در چشم‌اندازهای روستایی، از طریق تکمیل پرسش‌نامه و مشاهده میدانی مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفت. در این راستا در سطح ۴۳ روستا، اقدام به مشاهده میدانی، مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه شد. این اقدام کمک کرد تا میزان پویایی بنیان‌های جغرافیایی در چشم‌اندازهای روستایی نه فقط از طریق آمار و اطلاعات سازمان‌ها، ادارات و نهادهای دولتی، بلکه از طریق واقعیت‌های عینی موجود در چشم‌انداز روستایی مورد ارزیابی قرار گیرد.

شناخت اجمالی دهستان‌های مورد مطالعه:

۱. دهستان شیوه (سر) معرف چشم‌اندازهای کوهستانی):

این دهستان در عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۵۶ دقیقه تا ۳۵ درجه و یک دقیقه شمالی و ۴۶ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۲۶ دقیقه طول جغرافیایی شرقی در شمال غرب استان کرمانشاه و جنوب شهرستان پاوه قرار گرفته است. متوسط بلند مدت دمای سالانه در این دهستان ۱۴/۷ درجه سانتی‌گراد و

متوسط بارندگی سالانه ۷۳۵ میلی‌متر می‌باشد. این دهستان دارای ۱۰۲ کیلومتر مربع وسعت و ۴۲۲۲ نفر جمعیت است که این تعداد جمعیت در ۹ سکونتگاه روستایی پراکنش یافته‌اند. متوسط وزن جمعیتی روستاهای این دهستان در سال ۱۳۷۵ حدود ۴۶۹ نفر بوده و به‌طور متوسط در هر ۱۱/۳ کیلومتر مربع یک روستا استقرار یافته است. فضای غالب و چشم‌انداز عمومی این دهستان را کوهستان‌ها در بر می‌گیرد و اسکان و فعالیت در سطح این دهستان با محدودیت شدید منابع خاک و تنگنای شیب زمین روبرو است. اقتصاد روستاهای این دهستان مبتنی بر مبادلات مرزی با کشور عراق، و تاحدود نسبتاً ضعیفی دامداری و باغداری می‌باشد.

۲. دهستان گاور (معرف چشم‌اندازهای تپه‌ای):

این دهستان بین ۳۴ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۷ دقیقه عرض جغرافیای شمالی و ۴۶ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۲۸ دقیقه طول جغرافیایی شرقی و در جنوب غرب استان کرمانشاه و شرق شهرستان گیلانغرب واقع شده است. متوسط بلند مدت دمای سالانه این دهستان ۲۱ درجه سانتی‌گراد و متوسط بلندمدت بارندگی سالانه این دهستان حدود ۳۴۰ میلی‌متر گزارش شده است. مساحت آن ۴۲۳ کیلومتر مربع بوده که ۱۰۳۱۱ نفر جمعیت را در ۴۹ سکونتگاه روستایی در خود جای داده است. متوسط وزن جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی در این دهستان در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۱۰ نفر بوده که به‌طور متوسط در هر ۸/۶ کیلومتر مربع یک روستا استقرار یافته است.

فضای غالب و چشم‌انداز عمومی این دهستان را اراضی تپه‌ای در بر می‌گیرد. دامداری و زراعت دیم شکل غالب فعالیت مردم را تشکیل می‌دهد. کمبود منابع آب سطحی و زیر زمینی، مهم‌ترین محدودیت فعالیت و زیست در این چشم‌اندازها می‌باشد.

۳. دهستان دینور (معرف چشم‌اندازهای دشتی):

این دهستان در بین عرض جغرافیایی شمالی ۳۴ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۴۲ دقیقه و طول جغرافیایی شرقی ۴۷ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۳۵ دقیقه و در شرق استان کرمانشاه و غرب شهرستان صحنه واقع شده است. متوسط بلند مدت دمای سالانه در این دهستان حدود ۱۴/۳ درجه سانتی‌گراد و متوسط بارندگی سالانه آن حدود ۴۵۶ میلی‌متر گزارش شده است. این دهستان دارای ۲۵۴ کیلومترمربع وسعت و ۱۱۶۷۲ نفر جمعیت بوده که این تعداد جمعیت در ۴۶ روستای این دهستان پراکنش یافته‌اند. متوسط وزن جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی این دهستان در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۳۵ نفر بوده و به‌طور متوسط در هر ۵/۵ کیلومتر مربع یک روستا استقرار یافته است. فضای غالب و چشم‌انداز عمومی این دهستان را اراضی دشتی در بر می‌گیرد. اسکان و فعالیت در چشم‌انداز این دهستان، محدودیت خاصی نداشته و زمینه‌های اسکان و فعالیت در تمام پهنه دهستان وجود دارد.

نتایج پژوهش :

پویایی‌شناسی بنیان‌های جغرافیایی در سه دهستان مورد مطالعه (کوهستانی، تپه‌ای و دشتی) نتایج متفاوتی را منعکس کرده است. در هرگونه خاص از دهستان‌ها بنیان‌های متفاوتی، در ارتباط با زمان، از کارآیی لازم

برخوردار نیستند و باید نسبت به حذف آن‌ها از چشم‌انداز اقدام نمود. در هر دهستان بنیان‌های خاصی باید تضعیف یا تقویت شوند و در هر دهستان اجزا و عناصر متفاوت و جدیدی باید به چشم‌انداز اضافه شود. چنین یافته‌هایی به نحوی تأکید بر اصل افتراق مکانی - فضایی پدیده‌ها، لزوم برنامه‌ریزی متفاوت برای آن‌ها و توجه به برنامه‌ریزی محلی دارد.

براساس شاخص‌ها، استانداردها و ضوابط خدمات رسانی در محیط روستایی کشور (مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۹ ص ۷۹) خدمات موجود در هر سه دهستان، از طریق تلفیقی از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات نظیر تکمیل پرسش‌نامه، مصاحبه، مشاهده میدانی و أخذ آمار و اطلاعات از سازمان‌ها و ادارات دولتی مورد ارزیابی قرار گرفت و بر مبنای این ارزیابی که مبتنی بر مدل توسعه‌یافتگی موریس بود، سطح توسعه دهستان‌ها با همدیگر مقایسه گردید. در این ارزیابی دهستان شیوه معرف چشم‌اندازهای کوهستانی، بالاترین امتیاز نهایی خدمات (۲۲۷۵ امتیاز) را در مقایسه با سایر دهستان‌ها دارا بود و لذا نسبت به دهستان‌های دینور، معرف روستاهای دشتی با ۱۶۳۳ امتیاز و دهستان گاور، معرف روستاهای تپه‌ای با ۷۷۷ امتیاز، در مرتبه اول توسعه یافتگی قرار گرفت. در این ارزیابی سطح توسعه یافتگی سه دهستان مورد مطالعه به ترتیب زیر مشخص گردید:

رتبه اول ← دهستان شیوه (معرف چشم‌اندازهای روستایی کوهستانی) ۲۲۷۵ امتیاز

رتبه دوم ← دهستان گاور (معرف چشم‌اندازهای روستایی تپه‌ای) ۱۶۳۳ امتیاز

رتبه سوم ← دهستان دینور (معرف چشم‌اندازهای روستایی دشتی) ۷۷۷ امتیاز

اگر چه از نظر توسعه خدمات در چشم‌اندازهای روستایی این پژوهش نشان می‌دهد روستاهای کوهستانی از خدمات مناسب‌تری برخوردارند، اما باید گفت اولاً پویایی شناسی بنیان‌های جغرافیایی تنها به تحول در عرصه خدمات روستایی محدود نمی‌گردد و ثانیاً دلیل بالا بودن امتیاز دهستان شیوه سر به خاطر وزن جمعیتی بالای سکونتگاه‌های روستایی در مناطق کوهستانی است که آستانه جمعیتی لازم را برای دریافت انواع خدمات دارا می‌باشند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد متوسط وزن جمعیتی روستاهای دهستان شیوه سر، که دهستانی کوهستانی است بالاتر از دهستان‌های دینور (دشتی) و گاور (تپه‌ای) می‌باشد، زیرا در مناطق کوهستانی دو عامل عمده باعث شکل‌گیری روستاهای پرجمعیت می‌گردد.

۱. اقتصاد مبتنی بر فعالیت‌های غیرکشاورزی که وابسته به منابع آب و خاک نیست، به‌طوری که ضرورتی ندارد مردم به تبع از منابع آب و خاک در چشم‌انداز پراکنش یابند.

۲. محدود بودن مکان‌هایی که تناسب و قابلیت اسکان داشته باشد. لذا مکان‌های محدودی که دارای قابلیت اسکان هستند به شدت مورد توجه قرار سکونت‌گزینی می‌گیرند.

با توجه به دو عامل فوق متوسط وزن جمعیتی روستاهای کوهستانی بالا بوده و در نتیجه، آستانه جمعیتی لازم برای دریافت انواع خدمات را دارا می‌باشند. در روستاهای تپه‌ای، حداقل توسعه خدمات وجود دارد. این وضعیت به خاطر اقتصاد مبتنی بر دامداری و زراعت دیم و در نتیجه پایین بودن متوسط وزن جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی است.

با وجود سطح‌بندی توسعه‌ای فوق، هر کدام از دهستان‌های مورد مطالعه در آزمون پویایی شناسی بنیان‌های جغرافیایی و در ابعاد مختلف طبیعی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی دارای تنگناها و

قابلیت‌های خاصی بودند که به شرح زیر بیان می‌گردد:

الف. دهستان شیوه سر (معرف چشم‌اندازهای کوهستانی):

- در این دهستان تحول و پویایی خاصی در خصوص مدیریت منابع آب و انتقال منابع آب به عرصه‌های ارتفاعی جهت توسعه باغداری صورت نگرفته است. در این چشم‌انداز کوهستانی، توسعه باغداری از طریق پمپاژ منابع آب به دامنه‌ها می‌تواند به تحول و توسعه عرصه‌های ارتفاعی اقتصاد نیز منجر شود.
- تنها در ۱۱/۱ درصد از روستاهای دارای منابع آب این دهستان، در خصوص ایجاد کانال‌های بتونی - استخر بتونی و یا بتونی نمودن جوی مزارع و باغات، حداقل تحولی صورت گرفته است.
- شیوه آبیاری قطره‌ای برای توسعه باغداری در دامنه‌ها، مهم‌ترین راه توسعه باغداری در چنین چشم‌اندازهایی است، که حداقل فرسایش خاک را در پی داشته و می‌تواند بهترین برنامه توسعه متناسب با مکان باشد. سیستم آبیاری تحت فشاری در چنین روستاهایی مورد توجه قرار نگرفته است.
- هر چند در چشم‌اندازهای کوهستانی به خاطر شیب زمین و وضعیت توپوگرافی، دفع آب‌های سطحی به آسانی صورت می‌گیرد و کمتر در اطراف روستاها شاهد ماندآب‌ها هستیم، با وجود این ۵۰ درصد روستاهای دهستان شیوه سردارای سیستم جمع‌آوری زباله (مشارکت مردمی) و ۲۵ درصد روستاها، دارای سیستم دفع فضلاب بهداشتی هستند.
- در ۵۰ درصد از روستاهای دهستان، از هیزم جنگل‌ها و مراتع به‌عنوان سوخت استفاده می‌شود.
- جمعیت این دهستان در خصوص باسوادی از تحول و پویایی لازم برخوردار است.
- بیکاری و کم‌کاری و فقدان تنوع شغلی از مشکلات حاکم بر این چشم‌انداز روستایی است.
- در این دهستان حداقل مهاجرفرستی وجود داشته، فقر مالی در روستاها امروزه خود به‌عنوان نوعی عامل بازدارنده مهاجرت از روستاها به شمار می‌آید، چرا که هزینه‌های بالای اقامت، اجاره خانه یا خرید خانه در شهرها باعث می‌شود روستاییان فقیر و کم درآمد توان مهاجرت به شهرها را نداشته باشند.
- در زمینه توسعه خدمات فرهنگی این دهستان حداکثر تحول و پویایی را داشته، به طوری که ۱۰۰ درصد روستاها، دارای مسجد بوده و در مساجد، کتابخانه‌ها هم فعالیت دارند.
- زمینه لازم برای گذراندن اوقات فراغت جوانان وجود ندارد و در این مورد تحول و پویایی مناسبی دیده نمی‌شود.
- حداقل تضاد در بین اهالی روستاها دیده می‌شود. مهم‌ترین عامل کمبود اختلاف و دوگانگی بین مردم نداشتن منافع مشترک و فقدان اقتصاد مبتنی بر آب و خاک است. به علت نداشتن زمین زراعی و مرتع، روستاییان بیشتر شغل خدماتی داشته و اختلافات زمین و مرتع آن‌ها بسیار کم است.
- به خاطر عدم تضاد بین اهالی روستاها، حداکثر امنیت در روستاهای شیوه سرو جود دارد.
- تحول بسیار اندکی در شیوه‌های کاشت - داشت و برداشت محصول دیده می‌شود.
- در زمینه استقرار صنایع و خدمات پشتیبان تولید، چشم‌انداز هرگونه تحول و پویایی بی‌نصیب است.
- اقتصاد حاکم بر فضا، نوعی اقتصاد معیشتی است.

- در این دهستان نظام مرکزیت در ارتباط با فرم فضا و استقرار روستاها، مطلوب نیست.
- این دهستان به خاطر تنگنای توپوگرافی، تنها از یک سمت با فضاهای پیرامون خود، کنش متقابل فضایی دارد.
- دسترسی به ارتباطات اجتماعی، نظیر شبکه‌های تلویزیونی و راه‌های آسفالتی و مطبوعات مناسب نیست.
- خدمات نقطه‌ای نظیر آب آشامیدنی، برق، مخابرات در روستاهای این دهستان توزیع مناسبی دارند.

ب) دهستان گاور (معرف چشم‌اندازهای تپه‌ای):

- مدیریت منابع آب از ضرورت‌های اصلی چشم‌اندازهای تپه‌ای است. کمبود منابع آب سطحی و زیرزمینی در دهستان تپه‌ای گاور بالاخص در خشکسالی‌های اخیر بیشترین عامل توسعه نیافتگی چشم‌انداز به حساب می‌آید. تا آنجا که فقدان منابع آب کافی حتی برای آشامیدن، منجر به تخلیه چندین روستا شده است.
- اسکان و فعالیت در این دهستان به خاطر کمبود منابع آب زیرزمینی به شدت منوط به بارش سالانه است و کمبود بارندگی در یک سال می‌تواند مبنای تخلیه سکونتگاه‌ها و تخریب منابع اقتصاد که مبتنی بر مراتع، دامداری و زراعت دیم است، فراهم آورد.
- در خصوص استفاده بهینه از منابع آب هیچ‌گونه برنامه و طرح مشخصی در چشم‌انداز روستایی دهستان اجرا نشده است.
- از نظر زیست محیطی هیچ‌یک از روستاهای این دهستان از سیستم جمع‌آوری زباله و سیستم دفع بهداشتی فاضلاب، برخوردار نیستند.
- درصد باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر در این دهستان از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار است.
- تنگنای بیکاری و کم‌کاری و نیز عدم تنوع شغلی و فعالیت، مهم‌ترین مشکل حاکم بر چشم‌انداز روستایی این دهستان به شمار می‌آید.
- مهاجرفرستی در این دهستان بسیار کم است. همان‌طور که در قسمت الف بحث شد، فقدان توان مالی در روستاها در وضعیت کنونی، مهم‌ترین عامل کاهش میزان مهاجرفرستی است، چرا که روستائیان توان مالی برای خرید یا اجاره منزل در شهرها را ندارند.
- دسترسی به ارتباطات اجتماعی نظیر شبکه‌های تلویزیونی، راه‌های آسفالتی و مطبوعات تحول و پویایی اندک و بعضاً فاقد هرگونه پویایی بوده است.
- در شیوه‌های کاشت - داشت و برداشت محصولات کشاورزی تحول و پویایی خاصی به‌وجود نیامده است.
- گونه‌های فعالیت در سطح دهستان، همان گونه‌های ثابت قدیمی بوده و گونه جدیدی از فعالیت و شغل در چشم‌انداز روستایی این دهستان، به‌وجود نیامده است.
- صنایع و خدمات پشتیبان تولید در چشم‌انداز روستایی دهستان گاور پویا و فعال نیستند.
- نوع اقتصاد حاکم بر فضای دهستان، اقتصاد معیشتی است.
- نظام مرکزیت در ارتباط با فرم فضا و استقرار سکونتگاه‌ها، تعریف نشده است.
- استقرار خطی روستاها باعث شده تا اکثر روستاها به راه آسفالتی دسترسی داشته باشند.

- عبور بزرگراه کربلا و راه بین منطقه‌ای کرمانشاه - ایلام از داخل دهستان تحول و پویایی خاصی را در روستا- شهر سرمست (مرکز دهستان) ایجاد کرده است.

- دهستان گاور از دو سمت با فضاهای پیرامون خود درکنش متقابل فضایی به سر می‌برد و از دو سمت دیگر با محدودیت ارتباط با فضاهای مجاور، مواجه است.

- الگوی معماری مسکن روستایی متناسب با عملکرد اقتصادی روستاها نیست.

ج) دهستان دینور (معرف چشم‌اندازهای دشتی):

- مدیریت منابع آب سطحی و زیرزمینی و بهره‌برداری بهینه از آن‌ها در راستای توسعه اقتصادی در این دهستان، نسبتاً مناسب است. به طوری که به نوعی پایداری اسکان و فعالیت را حتی در سال‌های خشکسالی تضمین می‌نماید. حفرچاه‌های عمیق کمک می‌کند تا در سال‌های خشک، اقتصاد روستایی و اسکان جمعیت حداقل آسیب‌پذیری را تحمل نماید.

- در ۳۵/۷ درصد از روستاهایی که پرسش‌نامه تکمیل شده است، تحول و پویایی در خصوص حفرچاه‌های عمیق و نیمه عمیق وجود داشت. اما فقط در ۱۱/۱ درصد از روستاها در خصوص کانال‌کشی و بتونی کردن جوی مزارع اقدامی صورت گرفته بود و چنین وضعیتی حکایت از حداقل تحول و پویایی را دارد.

- در هیچ‌یک از روستاهای این دهستان سیستم آبیاری تحت فشار اجرا نشده است.

- در هیچ‌یک از روستاها، سیستم جمع‌آوری زباله و دفع فاضلاب وجود ندارد و چشم‌انداز روستاها از نظر زیباشناختی به شدت تحت تأثیر چنین وضعیتی نامناسب است. در روستاهای دشتی به خاطر شیب کم زمین، ماندآب‌ها در کنار روستاها، خالق چشم‌انداز نازیبایی هستند.

- توسعه خدمات آموزشی و وضعیت باسوادی مردم از تحول و پویایی لازم برخوردار است.

- در این دهستان، تنوع و پویایی اشتغال دیده می‌شود و درصد بیکاری بسیار پایین و در حد ۳ درصد است.

- مهاجر فرستی در این دهستان زیاد است. این وضعیت تحت تأثیر بیکاری و فقدان اشتغال نبوده بلکه به خاطر وضعیت مناسب اقتصادی مردم و نزدیکی به شهر کرمانشاه است، زیرا اکثر روستاییان سود و درآمد سالانه خود را در شهر کرمانشاه، سرمایه‌گذاری می‌نمایند.

- تنها ۴۵ درصد از روستاهای این دهستان از خدمات فرهنگی نظیر کتابخانه و مسجد، بهره‌مندند.

- در زمینه بسترسازی برای گذران اوقات فراغت جوانان پویایی و تحول خاصی ملاحظه نمی‌شود.

- روستاها از نظر دسترسی به خدمات ارتباطی نظیر تلفن و بهره‌مندی از شبکه‌های تلویزیونی و دسترسی به مطبوعات وضعیت مناسبی ندارند.

- در این دهستان اقتصاد معیشتی جای خود را به اقتصاد تجارتي داده و این قابلیت مدیون اراضی مناسب زراعی، و در مجاورت آن منابع آب سطحی و زیرزمینی کافی است.

- در زمینه روش‌های کاشت، داشت و برداشت محصول تحول و پویایی نسبتاً مناسبی در چشم‌انداز روستایی این دهستان صورت گرفته است.

- نظام مرکزیت در این دهستان در ارتباط با فرم فضا و شیوه استقرار روستاها بوده و از وضعیت

مطلوبی برخوردار است.

- تراکم راه‌ها و بالاخص راه‌های آسفالتی در این دهستان بالا بوده و در نتیجه درصد بیشتری از روستاها به راه آسفالتی دسترسی دارند.

- گونه معماری مسکن روستایی، با عملکرد اقتصادی روستاها، هیچ‌گونه پیوندی ندارد و این امر چشم‌انداز نامناسب و درهم ریخته‌ای از بافت سکونتگاه‌ها رابعث شده به طوری که در کنار واحدهای مسکونی نوساز با مصالح جدید، شاهد شکل‌گیری و تعریف مکان‌هایی برای دام، آغل، طویله، کاهدان و غیره با مصالح نامناسب نظیر گل و حتی پرچین هستیم که خالق چشم‌انداز نازیبایی هستند.

- این دهستان حداکثر ارتباط و کنش متقابل را با فضای پیرامون خود دارد و از چهارسمت، از فضاهای پیرامون خود در درجه اول تأثیرپذیر و در مرتبه دوم تأثیرگذار است.

پیشنهادات:

مهم‌ترین اقدامات در راستای پویایی بنیان‌های جغرافیایی در چشم‌انداز روستایی به تفکیک دهستان‌های مورد مطالعه به شرح زیر قابل ذکر است:

الف. دهستان شیوه سر (معرف چشم‌اندازهای روستایی کوهستانی):

۱. توجه به اشتغال زایی و افزایش درآمد روستاییان و تنوع بخشی به اشتغال و فعالیت.
۲. توسعه مدیریت منابع آب و استفاده از دانش و تکنیک روز همچون توسعه آبیاری قطره‌ای و پمپاژ آب و توسعه باغات در دامنه‌ها.
۳. تأمین سوخت مصرفی روستاییان برای جلوگیری از تخریب منابع طبیعی با توجه به این که در ۵۰ درصد روستاها از هیزم جهت مصرف سوخت استفاده می‌شود.
۴. ترویج، توسعه و حمایت از صنایع روستایی.
۵. توجه به ترویج و توسعه گردشگری روستایی با توجه به جاذبه‌های طبیعی مناطق کوهستانی.
۶. کمک به رفع موانع ارتباطی دهستان با فضاهای پیرامونی. هرچند از نظر توپوگرافی توسعه ارتباط با فضاهای مجاور از طریق شبکه راه‌ها با محدودیت‌های شدیدی روبرو است، ولی می‌توان از طریق شبکه‌های تلویزیونی، کمک به حضور بیشتر مطبوعات و توسعه سیستم مخابرات و تلفن این ارتباط را به شکل دیگر توسعه داد.

ب. دهستان گاور (معرف چشم‌اندازهای تپه‌ای):

۱. افزایش و توسعه مدیریت منابع آب با توجه به ناپایدار بودن توسعه در چنین چشم‌اندازهایی، به علت کمبود و نوسان شدید منابع آب در طی سال و بالاخص در سال‌های کم باران و وابستگی شدید اسکان و فعالیت به منابع آب.
۲. توجه به بهداشت محیط روستایی از طریق ایجاد سیستم بهداشتی جمع‌آوری زباله و دفع فاضلاب.
۳. توجه به اشتغال‌زایی، افزایش تنوع شغلی و تنوع بخشی به فعالیت‌ها و افزایش سطح درآمد روستاییان و رفع تنگنای بیکاری آشکار و پنهان در چشم‌انداز.

۴. توجه به ایجاد زیر ساخت های فرهنگی- ورزشی در راستای افزایش زمینه‌های گذران اوقات فراغت جوانان روستایی.
۵. توجه به توسعه زیرساخت‌های ارتباطی همچون شبکه‌های تلویزیونی، شبکه مخابرات و توسعه حضور مطبوعات در چشم‌انداز روستایی.
۶. تغییر شیوه‌های کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی و حرکت به سمت روش‌های نوین و مبتنی بر دانش روز.
۷. کمک در راستای افزایش صنایع مکمل بخش کشاورزی و خدمات پشتیبان تولید در چشم‌انداز.
۸. توجه به تعریف الگوی معماری مسکن روستایی متناسب با فعالیت‌های اقتصادی حاکم بر سکونت‌گاه‌های روستایی.
- ج. دهستان دینور (معرف چشم‌اندازهای دشتی):**
۱. توسعه مدیریت منابع آب بالاخص سیمانی و بتونی نمودن جوی‌های مزارع در راستای جلوگیری از هدر رفتن آب و تغییر شیوه‌های آبیاری سنتی و غرقابی به آبیاری تحت فشار.
۲. توجه ویژه به بهداشت محیط روستایی و دفع بهداشتی فاضلاب و سیستم جمع‌آوری زباله با توجه به شیب کم زمین و جمع شدن ماندآب‌ها در چنین چشم‌اندازهایی.
۳. فراهم نمودن شرایط لازم برای جلوگیری از فرار سرمایه‌ها و تأمین شرایطی جهت هزینه سرمایه‌ها در چشم‌انداز روستایی با توجه به وضعیت مناسب فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر منابع آب و خاک در روستاهای این دهستان.
۴. عنایت ویژه به توسعه زیر ساخت‌های فرهنگی- ورزشی در سطح دهستان و بسترسازی جهت ایجاد زمینه‌های گذران اوقات فراغت جوانان روستایی.
۵. تلاش در راستای افزایش خدمات ارتباطی در چشم‌انداز همچون؛ توسعه شبکه‌های تلویزیونی، توسعه مخابرات، توسعه و ترویج مطبوعات در سطح روستاهای این دهستان.
۶. کمک به ایجاد و توسعه صنایع مکمل بخش کشاورزی و خدمات پشتیبان تولید در سطح روستاهای این دهستان.
۷. توجه به تعریف الگوی معماری مسکن روستایی متناسب با فعالیت‌های اقتصادی حاکم بر سکونت‌گاه‌های روستایی.

منابع:

۱. آسایش، حسین، ۱۳۷۵، برنامه‌ریزی روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول.
۲. بدری‌فر، منصور، ۱۳۷۹، جغرافیای انسانی ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ چهارم.
۳. صدر موسوی، میر ستار، ۱۳۸۲، سیاست‌های توسعه و اشتغال در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه، مجله فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، شماره ۱۰، سال سوم.

۴. حسینی ابری، سید حسن، ۱۳۸۰، مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ دوم.
۵. رحمانی، بیژن، ۱۳۸۳، گذر شهر از میان مزرعه (کشاورزی ایران، عروج یا نزول)، فصل نامه جغرافیایی سرزمین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جغرافیا، شماره ۱، سال اول.
۶. قنبری، نوذر، ۱۳۸۳، گردشگری روستایی نمونه‌ای از برنامه‌ریزی ناحیه‌ای در تایوان، فصل نامه جغرافیایی سرزمین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جغرافیا، شماره ۳، سال اول.
۷. مسکن و شهرسازی، مقررات شهرسازی و معماری و طرح‌های توسعه و عمران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، چاپ پنجم.
۸. مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۸۳، نگرشی در تحولات اقتصاد روستایی (مورد مطالعه روستاهای ایالت کبک کانادا)، فصل نامه جغرافیایی سرزمین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جغرافیا، شماره ۱، سال اول.
۹. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰، سالنامه آماری کل کشور.
۱۰. مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور.
۱۱. نظریان، اصغر، ۱۳۷۵، جغرافیای شهری ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول.
12. Jakob H. P. Vander(2003) : " Towards a new rural landscape" Landscape and urban planning, Volume 70, pages 143 - 152, Fryske Akademy, The Netherland .
13. Yutaka Arahi (1998): "Rural Tourism in Japan" The regeneration of rural communities, <http://www.agent.org/library/article/eb457.html>
14. Paul Claval(2003): "Reading the rural landscape", Landscape and rural planning, Volume 70, pages 9-19, Sorbonne France.
15. Hannes Plang (2003): "Rural Landscape Past processes and feature strategies" Landscape and urban planning, Volume 70, pages 3-8, Stockholm, Sweden .
16. Nuchnard Rattanasuwongchai (1998) : " Rural tourism- the impact on rural communitis II Thailand, Food and Fertilizer Technology Center.